



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

عنوان:

نقش نفت در سقوط رژیم محمدرضا شاه پهلوی

استاد راهنما:

دکتر علی محمد حاضری

استاد مشاور:

دکتر محمدسالار کسرائی

پژوهشگر:

محمد فکری

شهریور ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می‌باشد.
چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ عزیزانہم:

مادر، پدر و سنانی

شماره ۱-۶-۱۳۹۱
 تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹
 پست:



پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (ره) تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای محمد فکری هل آباد دانشجوی رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

تحت عنوان: نقش نفت در فروپاشی رژیم محمد رضا شاه پهلوی

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (ره) برگزار گردید و به موجب این نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه بسیار خوب امتیاز: ۱۸
 قبول مشروط با درجه (با اصلاح) امتیاز: مرجع تأیید نهایی: جعفری
 دفاع مجدد
 مردود
 شرح اصلاحات مورد نیاز:

توضیح: بنا به مندرجه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر مشخص میگردد:

رتبه علمی	امضاء	نام و نام خانوادگی	عضای هیأت داوران
۱۴ به بالا	۱۹-۲۰	جناب آقای دکتر علی محمد حاضری	۱- استاد راهنما
۱- قبول با درجه عالی	۱۸-۱۸/۹۹	جناب آقای دکتر محمد سالار کسرائی	۲- استاد مشاور
۲- قبول با درجه بسیار خوب	۱۷-۱۷/۹۹	جناب آقای دکتر محمد رضا طالبان	۳- استاد داور
۳- قبول با درجه خوب	۱۶-۱۶/۹۹	جناب آقای دکتر فرهاد مؤمنی	۴- استاد داور
کثر از ۱۴			

رتبه علمی	امضاء	نام و نام خانوادگی	عضای هیأت داوران
		جناب آقای دکتر علی محمد حاضری	۱- استاد راهنما
		جناب آقای دکتر محمد سالار کسرائی	۲- استاد مشاور
		جناب آقای دکتر محمد رضا طالبان	۳- استاد داور
		جناب آقای دکتر فرهاد مؤمنی	۴- استاد داور

امضاء
 مدیریت تحصیلات تکمیلی
 شماره: ۶۶۷۲۳۰۴۴-۷ و ۶۶۷۲۳۰۴۴-۹
 کد پستی: ۶۵۶۸۴۳۸

امضاء
 نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء
 مدیر گروه
 تهران: خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۵۳، تلفن: ۶۶۷۲۳۰۴۴-۷ و ۶۶۷۲۳۰۴۴-۹
 وب سایت: www.n.khcomini.com پست الکترونیک: khcomini@ic.ac.ir صندوق پستی: ۱۱۴۵۵-۱۲۷

نگارش این پایان نامه مدیون استادان بزرگواری است که در دوران تحصیل در پژوهشکده در کلاس آنها نشستیم؛ دکتر علی محمد حاضری، دکتر محمدسالار کسرائی، دکتر محمدرضا طالبان، دکتر مصطفی مهرآیین، دکتر محمد رضایی، دکتر علیرضا شجاعی زند و دکتر غلامعلی رجایی. در بین این عزیزان دکتر حاضری و دکتر کسرائی با راهنمایی و مشاوره خویش دین بیشتری بر من دارند، از همه آنها سپاسگزارم، اگر نقطه قوتی در این پایان نامه بود بی شک حاصل آموخته‌های آنهاست و اگر ضعفی بود ناشی از ندانسته‌های من است. منت‌دار آن بزرگواران هستیم، خداوند متعال سلامتشان دارد.

بدون دلگرمی‌ها و حمایت مادر، پدر و همسر عزیزم انجام این پایان نامه میسر نمی‌شد، دست‌ان آنها را می‌بوسم و آرزوی توفیق برایشان دارم.

چکیده پایان نامه

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: جامعه شناسی انقلاب اسلامی
عنوان پایان نامه: نقش نفت در سقوط رژیم محمدرضا شاه پهلوی
نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد فکری
استاد راهنما: دکتر علی محمد حاضری
استاد مشاور: دکتر محمدسالار کسرائی
تاریخ شروع پایان نامه: مهر ماه ۱۳۹۰
تاریخ اتمام پایان نامه: شهریور ماه ۱۳۹۱
<p>از زمان اکتشاف صنعتی نفت در ایران تا به اکنون این ماده همواره حضوری تاثیرگذار در عرصه سیاسی ایران داشته است. تاثیرگذاری نفت در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران معاصر تا حدی است که مطالعه تاریخ سیاسی ایران در یک قرن اخیر بدون در نظر گرفتن این ماده سحرانگیز ناقص و مبهم خواهد بود. اکتشاف نفت در ایران توسط کشوری غربی صورت گرفت و پس از آن همواره کشورهای قدرتمند و غربی چشم طمع به این ماده ارزشمند داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از تمام راه‌های ممکن اعم از تطمیع دولت مردان، سرکوب، کودتا، جنگ و ... سعی در حفظ منافع نفتی خود در ایران داشته‌اند. در عرصه داخلی نیز نفت همواره برای دولتمردان ایران یکی از ستون‌های نگه دارنده حکومت‌شان بوده است.</p> <p>به دلیل نقش مهم نفت در سرنوشت سیاسی - اجتماعی ایران در این پایان‌نامه طی تحقیقی تبیینی و با روش تاریخی به نقش نفت در مهم‌ترین واقعه سیاسی معاصر ایران یعنی سقوط محمدرضا شاه پهلوی پرداخته شده است. نظریه‌های وابستگی، دولت رانتیر و نظریه روان‌شناختی ماروین زونیس راهنمای گردآوری داده‌های این پژوهش بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نفت به دلایل زیر در سقوط دولت پهلوی دوم نقش تاثیرگذاری ایفا کرده است:</p> <ol style="list-style-type: none">۱) مداخله آمریکا در ایران به دلیل منافع نفتی و وابستگی روزافزون شاه به آمریکا۲) استقلال مالی دولت از جامعه به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی و عدم پاسخگویی به مردم۳) فراهم‌سازی ابزار مالی لازم برای دیکتاتوری و نظامی‌گری شاه توسط درآمدهای نفتی۴) غربی‌سازی جامعه و عدم رعایت ارزش‌های سنتی و دینی با تکیه بر درآمدهای نفتی۵) نفت به عنوان یکی از پایه‌های روان‌شناختی قدرت و شخصیت شاه. <p>واژگان کلیدی: نفت، انقلاب اسلامی، محمدرضا پهلوی، وابستگی، دولت رانتیر</p>

Abstract

Academic Degree: master of science
Major: Sociology of Islamic Revolution
Tesis Title: Oil's role in fall of the Mohammad Reza Pahlavi
Name and Surname: Mohammad Fekri
Supervisor: Ali Mohammad Hazeri, Ph.D
Advisor: Mohammad Salar Kasrayi, Ph.D
Date of beginning: September 2011
Date of finishing: August 2012
<p>The oil has been had the effective presence in Iran from industry discovery until know. The effect of oil is as much as in society- policy structure that the survey policy history of Iran won't be possible without considering that.</p> <p>The discovery of oil in Iran be done by western country and after that the western and rich countries like to have this valuable material as they use many ways to keep it. Such as: the lure of government, war, a coup data and the oil also was as the one of protective stone of their government In the internal arena Because of the important role of oil in society – policy adventure of Iran, in this thesis been payed to role of oil in the most important of policy event of contemporary Iran, in depression of second Pahlavi's government with explanation research and historical method .</p> <p>The finding of this research show that oil has played as the effective role in depression of second Pahlavi's government.</p> <ol style="list-style-type: none">۱. The interfere of America in Iran because of the oil sources and depending of Shah to America.۲. The property autonomous of state from society because of oily incomes and being careless to people.۳. The providing of necessary property tool for dictating and controlling country by oily income.۴. The westernalization of society and being careless about religion and tradition values the based on oily income.۵. The oil as one of power psychological stone and Shah Personality. <p>Key Words: Oil, Islamic Revolution, Mohammad Reza Pahlavi, Dependent, Rentier State</p>

الخلاصه

معهد الامام الخميني و الثورة الاسلاميه للدراسه

المقطع الدراسي: الماجستير
القسم الدراسي: علم الاجتماع للثوره الاسلاميه
عنوان الرساله: درو البترول في سقوط حكومه محمدرضا شاه فهلوى
المحقق: محمد فكرى
الاستاذ الدليل: الدكتور على محمد حاضرى
الاستاذ المستشار: الدكتور محمدسالار كسرايى
تاريخ تاريخ البدء بكتابة: شوال ١٤٣٢
تاريخ الاختتام الطروحه: شوال ١٤٣٣
منذ الاكتشاف الصناعى للبترول فى ايران الى يومنا هذا، لاتزال هذه ماده لها دور موثر فى الصعيد السياسى الايرانى. ان تاثير البترول فى السنج السياسى و الاجتماعى الايرانى الى حد تكون مطالعه التاريخ السياسى الايرانى فى الثمه الاخير- دون هذه ماده الساحره، ناقصه و مهمه.
لقد اكتشفت النفط فى ايران دوله غريبه و بعده، لم تزل الدول و العظيمه و الغربيه تطمع لهذه ماده القيمه حيث مهدت لحفظ مصالحها البترولييه فى ايران مع كل الوسائل الممكنه منها تطميع الحكام، القمع، الانقلاب، الحرب و ... فى الصعيد السياسى ايضا لقد كان البترول للحكام الايرانيين احد دعائم حكومتهم دائما.
لاهميه دورالبترول فى المصير و الاجتماعى فى ايران، لقد اهتمنا فى هذه الرساله مع تحقيق مبين و اسلوب تاريخى، بدور البترول فى اهم الوقائع السياسيه الايرانيه اى سقوط محمدرضا شاه فهلوى.
كانت نظريات التبعية و ...، بليه الموارد الاستبدال البترولى دلائل لجمع معطيات هذه الدراسه.
تدل نتائج على ان البترول لعب دورا موثرا فى سقوط حكومه فهلوى للاول التاليه:
١- تدخل امريكا فى ايران لمصالحها النفطيه و تبعيه الشاه الهيترايده للامريكا
٢- توفر الاسباب المالىه اللازمه لدكتاتوريه و عسكريه الشاه.
٣- استقلال الدوله المالى عن الاجتماع بفضل الموارد النفطيه و عدم قبول المسئوليه تجاه الناس.
٤- تغريب الاجتماع و عدم رعايه القيم التقليديه و الدينيه اتكا على الموارد البترولييه
٥- النفط كاحدى الدعائم النفسيه لقدرة الشاه و شخصيته.
اللغات الرئيسيه: بترول، ثوره الاسلاميه، محمدرضا فهلوى، تبعيه

فهرست اجالی مطالب

فصل اول: طرح موضوع

- ۱-۱- بیان مسئله ۲
- ۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع ۴
- ۱-۳- سوال اصلی تحقیق ۴
- ۱-۴- سوالات فرعی تحقیق ۴

فصل دوم: پیشینه تحقیق

- ۲-۱- تحقیقات پیشین ۶
- ۲-۲- پیشینه نظری ۱۵
- ۲-۳- چارچوب نظری ۵۱
- ۲-۴- مدل نظری ۵۲
- ۲-۵- فرضیه‌های تحقیق ۵۴

فصل سوم: روش پژوهش

- ۳-۱- روش تحقیق ۵۶
- ۳-۲- نوع داده‌ها و روش تحلیل ۵۷
- ۳-۳- تعریف مفاهیم ۵۷

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

- درآمد ۶۳
- نفت و زمینه‌سازی انقلاب اسلامی ۸۷
- نفت و وابستگی ۹۰
- رانت نفتی و سقوط رژیم ۱۰۰
- نفت و شاه ۱۱۱

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

- ۵-۱- نتیجه‌گیری ۱۲۵
- ۵-۲- پیشنهادها ۱۳۰
- فهرست منابع ۱۳۱

فهرست تفصیلی مطالب

فصل اول: طرح موضوع

- ۱-۱- بیان مسئله ۲
- ۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع ۴
- ۱-۳- سوال اصلی تحقیق ۴
- ۱-۴- سوالات فرعی تحقیق ۴

فصل دوم: پیشینه تحقیق

- ۲-۱- تحقیقات پیشین ۶
- ۲-۱-۱- تحقیقات داخلی ۶
- ۲-۱-۲- تحقیقات خارجی ۸
- ۲-۲- پیشینه نظری ۱۵
- ۲-۲-۱- نظریه دولت رانتیر ۱۵
- ۲-۲-۱-۱- علل رانت ۲۰
- ۲-۲-۱-۲- عناصر اقتصادی و اجتماعی رانت ۲۱
- ۲-۲-۱-۳- تعریف بیلاوی از دولت رانتیر ۲۲
- ۲-۲-۱-۴- دولت رانتیر در خاورمیانه ۲۴
- ۲-۲-۱-۵- دولت‌های توزیع‌کننده ۲۵
- ۲-۲-۱-۶- آثار وابستگی به رانت خارجی ۲۸
- ۲-۲-۱-۷- تاثیر رانت بر ساختار سیاسی ۲۹
- ۲-۲-۲- نظریه بلای منابع ۳۲
- ۲-۲-۲-۱- مفهوم بلای منابع ۳۳
- ۲-۲-۳- نظریه استبداد نفتی ۳۷
- ۲-۲-۴- نظریه نهادگرایی ۴۳
- ۲-۲-۵- نظریه وابستگی ۴۶
- ۲-۲-۵-۱- ویژگی‌های کلی نظریه وابستگی ۴۷
- ۲-۲-۶- نظریه ماروین زونیس ۵۰
- ۲-۳- چارچوب نظری ۵۱
- ۲-۴- مدل نظری ۵۲
- ۲-۵- فرضیه‌های تحقیق ۵۴

فصل سوم: روش پژوهش

- ۳-۱- روش تحقیق ۵۶
- ۳-۲- نوع داده‌ها و روش تحلیل ۵۷
- ۳-۳- تعریف مفاهیم ۵۷

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

- ۴-۱- درآمد ۶۳
- ۴-۲- نفت قبل از قرارداد داری ۶۳
- ۴-۳- قرارداد ۱۹۰۱ داری ۶۵
- ۴-۴- قراردادهای ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۱۹ و نفت ۶۶
- ۴-۵- کودتای ۱۲۹۹ و دیکتاتوری رضاشاه ۶۸
- ۴-۶- رضاشاه و قرارداد داری ۶۹
- ۴-۷- جنگ جهانی دوم و سقوط رضاشاه ۷۱
- ۴-۸- نهضت ملی نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۷۳
- ۴-۹- نفت پس از کودتا ۷۸
- ۴-۱۰- نفت و زمینه‌سازی انقلاب اسلامی ۸۷
- ۴-۱۱- نفت و وابستگی ۹۰
- ۴-۱۲- رانت نفتی و سقوط رژیم ۱۰۰
- ۴-۱۵- نفت و شاه ۱۱۱

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

- ۵-۱- نتیجه‌گیری ۱۲۵
- ۵-۲- پیشنهادها ۱۳۰
- فهرست منابع ۱۳۱

فهرست جدول‌ها:

- شکل ۱-۲: مدل نظری تحقیق ۵۳
- جدول ۱-۴: متغیرهای کلان نفت و اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۰ ۸۸
- جدول ۲-۴: منابع اصلی درآمدهای دولت ایران (به درصد) بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۴۵ ۱۰۴
- جدول ۳-۴: میزان اشتغال کارگران در صنعت نفت (به هزار نفر) ۱۰۵
- جدول ۴-۴: نیروی کار بخش‌های مختلف اقتصادی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۲ ۱۰۵
- جدول ۵-۴: سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۱ ۱۰۵
- جدول ۶-۴: بازرگانی خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ ۱۰۸

فصل اول:

طرح موضوع

۱-۱- بیان مسئله

وجود نفت علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و مالی دارای جنبه‌های سیاسی نیز است. رابطه نفت و سیاست رابطه‌ای دوسویه است، نفت علاوه بر آنکه از حوادث و مسائل سیاسی تاثیر می‌پذیرد، بر سیاست و قدرت به عنوان کانون سیاست تاثیر می‌گذارد. نفت به ویژه آن هنگامی نقش و قدرت بیشتری می‌یابد که تبدیل به اصلی‌ترین و عمده‌ترین کالای صادراتی یک کشور شود. وابستگی به یک کالای صادراتی خاص مثل نفت، نه فقط گروه‌های اجتماعی و نوع رژیم بلکه نهادهای دولت را هم شکل می‌دهد (کارل، ۱۳۸۸: ۱۴). اگر این جمله‌ی معروف ادوموند برک را که می‌گوید: «درآمد دولت، خود دولت است» مبنا قرار دهیم؛ می‌توان گفت در کشورهایی که بخش اعظم درآمد دولت از نفت تامین می‌شود؛ نفت خود دولت است. در واقع «منشا درآمدهای دولت است که رابطه بین شیوه‌های توسعه اقتصادی، دگرگونی نهادهای سیاسی، شکل‌دهی به ترجیحات و سرانجام ظرفیت دولت‌ها در طراحی یا تغییر مسیرهای توسعه را آشکار می‌سازد» (همان، ۳۳۳). لوسیانی نیز معتقد است در کشورهای نفت خیز، نفت نقشی بسیار اساسی در شکل‌گیری ساختارهای دولت مدرن داشته است (میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۷).

اما نفت به همان اندازه که در شکل‌گیری ساختارها می‌تواند نقش ایفا کند در فروپاشی آنها نیز می‌تواند نقش داشته باشد. «وقتی بهره‌برداری از نفت درون نهادهای ضعیف شروع می‌شود، دگرگونی‌هایی که پدید می‌آورد حساب تصمیم‌گیری مقامات عمومی را به شکل بنیادی تغییر می‌دهد.» (کارل، ۱۳۸۸: ۳۳۳).

صاحب‌نظران مسائل سیاست و ثروت منابع در مطالعات‌شان در خصوص آثار سیاسی نفت از رویکردهای متدولوژیک و نظری متفاوتی بهره گرفته‌اند؛ با اینهمه درباره‌ی چند مسئله به توافق‌هایی کلی دست یافته‌اند. نخست اینکه ثروت نفت به طور معمول به تضعیف نهادهای دولت منجر می‌شود و پیوندهایی سطحی و شکننده را میان زمامداران و مردم پدید می‌آورد. دوم اینکه نوسان بازار جهانی نفت و آثار داخلی آن بر کشورهای صادرکننده، بدین معناست که زمامدارانی که در راس این نهادهای ضعیف و پیوندهای سست اجتماعی قرار دارند؛ در زمان بحران‌های اقتصادی ناشی از افزایش یا کاهش شدید بهای نفت، با شرایط دشواری روبه‌رو می‌شوند. سوم اینکه، اگرچه نفت ممکن است از

راه تقویت توانایی سرکوب و معامله‌های اجتماعی با پرداخت رشوه‌های رانته، عمر رژیم را افزایش دهد، با این حال، کاهش ناگهانی بهای نفت می‌تواند این امتیازها را از رژیم باز ستاند و به بسیج نیروهای ضددولتی، ستیزه‌های مسلحانه‌ی داخلی و فروپاشی رژیم منجر گردد (اسمیت، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶).

پریپداست که نفت از مولفه‌های اساسی در شکل‌دهی به نظام اجتماعی و سیاسی ایران در تاریخ معاصر و نیز یکی از منابع اصلی قدرت در ظهور و سقوط حکومت‌ها و دولت‌های ایران بوده است.

از نفت به عنوان رگ حیاتی اقتصاد و امنیت ایران یاد شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۲: ۵). اهمیت نفت در سال‌های منتهی به انقلاب تا حدی است که کاتوزیان آن را متغیر مستقل کل بافت اجتماعی-اقتصادی می‌داند و ابراز می‌دارد که بدون درآمد نفت تلاش برای حفظ استبداد ایرانی موفق نمی‌شد، (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۷۹) به زعم وی دوره‌ی استبداد نفتی، زمینه‌ی سقوط خود را فراهم آورد.

به اعتقاد برخی پژوهشگران مسائل نفت ایران، محمدرضا شاه پهلوی نخستین شاه ایران نبود که قربانی نفت شد، بلکه پیش از او نیز آخرین شاه قاجار یعنی احمدشاه نیز به دلیل پیامدهای سیاسی نفت زمام امور را از دست داد و سلسله‌ی طویل‌العمر قاجار پایان یافت، برای طرح این مدعا که نفت موجب افول و سقوط احمدشاه و سلسله‌ی قاجاریه شد می‌توان اینگونه استدلال کرد که مخالفت احمدشاه با قرارداد ۱۹۱۹ ارتباط مستقیمی با انقراض سلسله‌ی قاجاریه داشته است، چرا که انگیزه و هدف اصلی قرارداد ۱۹۱۹ حفظ منافع نفتی انگلیس بود اما مخالفت احمدشاه با این قرارداد مانع دستیابی انگلیس به اهداف نفتی‌اش شد و بدین جهت با طراحی کودتای رضاخان علیه احمدشاه سقوط آخرین شاه قاجار را تسهیل کردند تا دولتی در ایران حاکم باشد که منافع نفتی انگلیس را به راحتی تامین کند و مانعی در برابر دستیابی بیگانگان به نفت ایران ایجاد نکند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۱۰). در سقوط رضا شاه نیز نفت بی‌تاثیر نبود، برای متفقین نفت ایران در جبهه جنگ بسیار ضروری بود و می‌بایست به هر نحو ممکن بدان دست می‌یافتند، به همین جهت همانگونه که رضاشاه را به تخت نشانده بودند به همان راحتی نیز او را از تخت به زیر کشیدند تا جانشینش بدانند که نفت برای غرب چقدر مهم و استراتژیک است.

اجماع قابل توجهی در بین پژوهشگران مسائل ایران در خصوص نقش موثر نفت در زمینه‌سازی سقوط شاه و وقوع انقلاب اسلامی وجود دارد، بدیهی است که در زمینه‌سازی سقوط نظام پهلوی عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند و نمی‌توان علت وقوع آن را به یک یا حتی چند عامل صرف فرو کاست، اما در این پژوهش به مقتضای بحث بنا است که به نقش نفت در سلسله علل

سقوط آخرین شاه ایران به صورت متمرکز پرداخته شود. پرداختن به نقش نفت به معنای نادیده انگاشتن و نفی نقش دیگر عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در زمینه‌سازی سقوط شاه نیست. به دلیل آنکه نفت در ایران اول ماده‌ی صادراتی است در ساختار سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه‌ی ایران نفوذی تاثیرگذار دارد و در مقاطع مختلف تاریخی و وقایع مهم کشور ردی از آن دیده می‌شود؛ به همین جهت در این پژوهش به این سوال پرداخته شده که نفت در یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی کشور یعنی سقوط محمدرضا شاه پهلوی چه نقشی داشته است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع

نفت، ماده‌ای است که از آن به طلای سرخ یاد می‌شود، همان گونه که منتفع کننده است می‌تواند تبدیل به بلایی عظیم هم شود. این پژوهش با نشان دادن نقش نفت در سرنوشت حکومت پهلوی قدرت خانمان برانداز این ماده‌ی سحرانگیز را آشکار خواهد کرد و عاقبت وابستگی و دلبستگی حکومت و دولتمردان را بدان هویدا خواهد ساخت. از این حیث به نظر می‌رسد نشان دادن روی دیگر این ماده‌ی سیاه اهمیت خاص این پژوهش باشد.

از سویی دیگر در ایران پژوهشی که به صورت مستقیم و متمرکز به تحلیل نقش نفت در وقوع انقلاب اسلامی پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده است؛ بدین جهت؛ خلا تحقیقی که به رابطه‌ی نفت و وقوع انقلاب اسلامی پرداخته باشد احساس می‌شود. از این حیث که این پژوهش نخستین کوشش در این موضوع است اهمیتی وافر بدان می‌بخشد.

۱-۳- سوال اصلی تحقیق

- نفت چه نقشی در زمینه‌سازی سقوط محمدرضا شاه پهلوی داشته است؟

۱-۴- سوالات فرعی تحقیق

- نفت چگونه موجب بی‌نیازی شاه به جامعه و بی‌اعتنایی وی به طبقات و اقشار اجتماعی مختلف جامعه شد؟
- نفت چگونه باعث مداخله‌ی قدرت‌های خارجی در ایران و وابستگی شاه به آنها شد؟
- افزایش و کاهش قیمت نفت چه تاثیری در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی داشت و پیامدهای سیاسی این تغییرات چه بود؟

فصل دوم:

پیشینه تحقیق

۲-۱- تحقیقات پیشین

۲-۱-۱- تحقیقات داخلی

پایان نامه کارشناسی ارشد عبدالقیوم شکاری با عنوان «تئوری دولت رانتیر و انقلاب اسلامی»^۱ از جمله تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش مدنظر ما است، این پایان نامه به صورت کتاب نیز منتشر شده است.^۲

شکاری در تحقیق خویش سعی در راستی آزمایی نظریه دولت رانتیر در مورد انقلاب اسلامی ایران داشته و اصلی ترین بحث خود را بررسی دلایل ناکارآمدی نظریه دولت رانتیر در تشریح وقوع انقلاب اسلامی قرار داده است.

شکاری مدعای نظریه دولت رانتیر را عدم مواجهی دولت‌های برخوردار از منابع رانتی با چالش‌های سیاسی و اجتماعی بیان کرده و دلایلی که طرفداران این نظریه برای مدعای خویش به کار می‌برند را چنین ذکر کرده است:

(۱) استقلال دولت رانتیر و عدم نیاز این دولت به منابع داخلی که باعث از بین رفتن زمینه‌ی هرگونه تقاضای سیاسی از طرف مردم به خاطر عدم پرداخت مالیات می‌شود.

(۲) در دولت رانتیر، به علت برخورداری دولت از درآمدهای ثابت که این دولت را به عمده‌ترین سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار در جامعه تبدیل می‌کند، گروه‌های اجتماعی نمی‌توانند به صورت مستقل از دولت به فعالیت پرداخته و دولت را به چالش بکشند.

شکاری معتقد است که انقلاب اسلامی ایران اعتبار نظریه‌ی دولت رانتیر را زیر سوال برد و نادرست بودن دو دلیل فوق‌الذکر را آشکار ساخت. به زعم شکاری این فرضیه‌ی نظریه‌پردازان دولت رانتیر که دولت رانتیر با چالش اجتماعی روبرو نخواهد شد با پیروزی انقلاب اسلامی رد شد.

^۱ شکاری عبدالقیوم، تئوری دولت رانتیر و انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، اسفند ۱۳۷۷

^۲ شکاری عبدالقیوم، نظریه دولت تحصیل‌دار و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹

شکاری در پایان نامه خویش دلایل ناکارآمدی نظریه دولت رانتیر در توجیه انقلاب اسلامی را در چارچوب دو فرضیه‌ی ذیل مورد بررسی قرار داده است:

۱) در ایران، استقلال دولت رانتیر، نه تنها باعث مصونیت این دولت از انقلاب نگردید، بلکه به علت ایجاد فاصله‌ی زیاد فرهنگی بین دولت و جامعه و عدم تناسب سیاست‌های رژیم پهلوی با ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی ایران باعث تسریع وقوع انقلاب گردید.

۲) برخلاف فرضیه‌ی نظریه‌ی دولت رانتیر، در ایران علیرغم وجود دولت رانتیر پهلوی و برخورداری آن از منابع عظیم مالی، گروه‌های مستقل از دولت مثل بازار و روحانیت توانستند دولت رانتیر را به چالش بکشند و در نهایت آن را سرنگون کنند.

شکاری پس از بحث در خصوص دو مبحث فوق و این نتیجه‌گیری که انقلاب ایران باعث بی‌اعتباری نظریه‌ی دولت رانتیر شد، به تئوریسین‌های دولت رانتیر پیشنهاد می‌کند که تجدیدنظری کلی در برخی فرضیات این نظریه انجام دهند.

هدف اصلی شکاری در تحقیق خویش نه بررسی نقش نفت در وقوع انقلاب بلکه راستی آزمایی نظریه دولت رانتیر است و بحثی درخور به مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نفت اختصاص نیافته است. نقصان آشکار پژوهش شکاری مدنظر قرار دادن نظریات نسل اول نظریه پردازان نظریه دولت رانتیر است، وی اشاره‌ای به تجدید نظرهایی که طرفداران این نظریه در سال‌های بعدی در آن اعمال نمودند نکرده است. آن تعریفی که شکاری از نظریه دولت رانتیر ارائه داده در واقع در سال‌های بعدی با اصلاحات و تغییرات بسیاری مواجه شد، معتقدان بعدی نظریه دولت رانتیر به این صورت آنرا اصلاح کردند که وابستگی به درآمدهای نفتی نه تنها موجب استحکام و توانایی دولت نمی‌شود بلکه موجب آسیب‌پذیری و فساد بیشتر آن می‌شود که در نهایت پاشنه آشیل دولت می‌شود. در واقع ضعف اصلی پژوهش شکاری در همین ارائه‌ی تعریفی ناقص و منسوخ از نظریه‌ی دولت رانتیر است که کل پژوهش وی را تحت الشعاع قرار داده است. ضعف دیگر پژوهش شکاری گنجاندن مطالبی است که چندان با هدف وی که انطباق نظریه دولت رانتیر در مورد انقلاب ایران است همخوانی ندارد، وی با اختصاص فصولی از پژوهش خود به نقش روحانیت در انقلاب اسلامی و فاصله‌ی فرهنگی دولت پهلوی با فرهنگ مردم ایران، این دو عامل را علت وقوع انقلاب اسلامی معرفی کرده است. بجا بود که شکاری تنها به بحث انطباق نظریه دولت رانتیر با انقلاب ایران می‌پرداخت نه بحث‌هایی که سنخیتی با هدف وی ندارد.

کتاب تری لین کارل^۱ با عنوان «معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی»^۲ از جمله پژوهش‌هایی است که به نقش نفت در سقوط رژیم پهلوی پرداخته است. کارل در پژوهش خود تاثیر نفت بر کشورهای صادرکننده نفت در خلال بحران نفتی دهه‌ی ۱۹۷۰ را مدنظر قرار داده و در این چارچوب اشاراتی هم به دولت وقت ایران داشته است. کارل در پژوهش خود با روشی تطبیقی به بحث درباره‌ی تاثیر نفت بر کشورهای ونزوئلا، ایران، نیجریه، الجزایر، اندونزی و نیز نروژ پرداخته است ولی تاکید اصلی وی بر ونزوئلا است و اشاره‌ی وی به دیگر کشورها بیشتر برای اثبات مدعاهای خود درباره‌ی تاثیر نفت بر ساختار و سرنوشت دولت‌های نفتی به خصوص ونزوئلا است.

کارل در ابتدای پژوهش خویش پرسش معماگونه‌ای را مطرح ساخته و سعی کرده بدان پاسخ دهد: این پرسش که چرا دولت‌های صادرکننده‌ی نفت مثل ونزوئلا، ایران، نیجریه، الجزایر و اندونزی که تفاوت‌های زیادی با هم دارند در خلال رونق عظیم نفتی دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، مسیرهای توسعه‌ی مشترکی انتخاب کردند و گرفتار نتایج ناامیدکننده‌ی یکسانی شدند؟ کارل به شرح و توضیح عوامل چندلایه‌ی اقتصادی و سیاسی می‌پردازد که ماهیت دولت در کشورهای صادرکننده‌ی نفت را تعیین می‌کنند و نیز توضیح می‌دهد چرا رونق‌های نفتی، حکومت‌ها را بی‌ثبات می‌سازد و در عین حال توهم رفاه و آبادانی به وجود می‌آورد. او ریشه‌ی این ویژگی‌های مشترک را در همزمانی بهره‌برداری از نفت و فرایند دولت‌سازی مدرن در این کشورها می‌بیند. در مدل کارل، اقتصادهای صادرکننده‌ی نفت و دولت‌های نفتی، بیانگر «شکل افراطی» اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی هستند. این افراطی‌گری خصوصاً در وابستگی بسیار بالای اقتصاد به یک منبع واحد به نام درآمد نفت بازتاب پیدا می‌کند.

کارل در پژوهش خود نظریه بلای منابع را به کار برده و با کاربست این نظریه نتیجه می‌گیرد که بلای منابع یا معمای فراوانی پدیده‌ای است که با این تصور عمومی که ثروت منابع طبیعی باعث رشد اقتصادی می‌شود در تضاد است. مطابق این دیدگاه، منابع طبیعی فراوان، اختلالات اقتصادی و سیاسی‌ای را تحمیل می‌کند که رشد اقتصادی را در درازمدت کاهش می‌دهد، اگرچه رونق و رفاه کوتاه‌مدتی نیز به وجود می‌آورد. کارل معتقد است معدود کشورهایی نفتی پیدا می‌شوند که رشد اقتصادی آنها بالاتر از میانگین کشورهای فاقد منابع طبیعی باشد. کتاب معمای فراوانی نشان می‌دهد که چگونه با ورود سیل‌آسای درآمدهای نفتی به اقتصاد کشورهای صادرکننده‌ی نفت، حوزه‌ی اختیارات و تعهدات دولت گسترش می‌یابد اما در عین حال اقتدار و نهادهای قانونی آن تضعیف می‌شود. کارل

^۱ Terry Lynn Karl

^۲ کارل، تری لین، معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی، ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸